



ویژه نامه آموزش درس حرفه و فن

فاطمه عابدی
دبیر علوم شهرستان قائم شهر

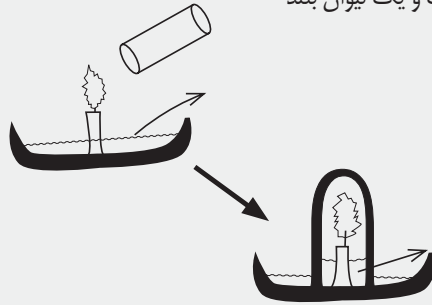
راحت الحلقوم‌های لذات بحثی

همان‌طور که می‌دانیم، یکی از رسالت‌های عظیم تعلیم و تربیت هر کشوری، پرورش عنصر تفکر در دانش‌آموزان است. انجام فعالیت‌ها و آزمایش‌های ساده در درس علوم، این هدف را محقق کرده و به جای آن که ذهن دانش‌آموز انبانی از اطلاعات گردد، با تحریک حس کنجکاوی، پویایی و نشاط را برای او به ارمغان می‌آورد و خستگی و بی‌حالی را از فضای کلاس می‌زداید. من در مبحث «سوختن»، درس علوم پایه دوم راهنمایی، برای ایجاد انگیزه، با روش بارش مغزی، دانش‌آموزان را به یادگیری مفاهیم درسی ترغیب کردم. با فعالیتی که شرح می‌دهم، از آن‌ها خواستم در مورد این واقعه بیندیشند و نتیجه‌ای عملی از آن حاصل کنند.

نام فعالیت: آسانسور آب

هدف: بررسی نظریهٔ لاوازیه در سوختن

مواد لازم: یک عدد شمع، یک عدد بشقاب ته‌گود، کبریت، مقداری آب و یک لیوان بلند



شرح

ابتدا شمع را کف بشقاب می‌چسبانیم و مقداری آب در بشقاب می‌ریزیم تا قسمت فرو رفتهٔ بشقاب پر شود. سپس شمع را روشن می‌کنیم. وقتی شمع شروع به سوختن کرد، به آرامی لیوان را وارونه روی شمع قرار می‌دهیم؛ طوری که به شمع نخورد. بعد از گذشت زمان کوتاهی، ملاحظه می‌شود که آب در لیوان بالا می‌آید.

نتیجه

شمع برای سوختن، اکسیژن هوای زیر لیوان را مصرف می‌کند. بنابراین حجم هوای زیر لیوان کمتر می‌شود و با ایجاد شدن فضای خالی در زیر لیوان، آب در لیوان بالا می‌رود.

کلاس‌های توجیهی، ضمن آشنایی با روش‌های فعال تدریس، با چگونگی اجرای این روش‌ها و همچنین راهکارهایی برای داشتن کلاسی با نشاط و فعال آشنا شدم. این برنامه سه روزه، نگرش مرا نسبت به تدریس و کلاس و دانش‌آموزان چنان تغییر داد که بعد از آن تصمیم گرفتم نحوهٔ کلاس‌داری خود را تغییر دهم و از این روش‌ها برای تدریس علوم در سطح راهنمایی استفاده کنم.

بنابراین، با انگیزه و نگرش جدید وارد مدرسه و کلاس شدم و تصمیم گرفتم تا حد امکان، برای تدریس علوم از روش‌های نوین استفاده کنم. یکی از درس‌های اول را با استفاده از روش‌های فعال تدریس کردم. در این تدریس، از روش‌های شبکهٔ بازیابی، بحث گروهی، آزمایش گروهی و تدریس اعضا به صورت تلفیقی استفاده کردم و آزمایش‌ها را به صورت گروهی با همکاری دانش‌آموزان انجام دادم. در این روش‌ها، دانش‌آموزان با مسائل درس درگیر می‌شدند و جمع‌بندی درس هم توسط خود آن‌ها انجام می‌گیرد. فعالیت‌های خارج از کلاس هم به صورتی طراحی شد که دانش‌آموزان را به تفکر، جست‌وجو، کاوش و تحقیق در طبیعت و زندگی روزمره وامی‌داشت.

روش‌های تدریس معلم‌محور، یادگیرندگان را غیرفعال و صامت می‌کند و تنها آن‌ها را برای موقعیت‌های آشنا و پیش‌بینی شده آماده می‌سازد. در حالی که به نظر می‌رسد، اگر در موقعیت‌های یادگیری، فراگیرندگان، مسئولیت‌پذیر باشند و عملاً در مسیر مسائل اصلی درس و کلاس وارد شوند، می‌توانند در شرایط متغیر جامعه و محیط کار مشارکت فعال داشته باشند. تفاوت اساسی بین این دو نوع یادگیری در آن است که در روش سطحی یادگیری، فراگیرنده آن‌چه را که قرار است یاد بگیرد، در این حالت نامربوط به واقعیت‌های زندگی حفظ می‌کند. در واقع، وظیفهٔ یادگیرنده این است که محتوای درسی را حفظ کند و در زمان خاصی مثلاً زمان امتحان، باز پس دهد. ولی در روش عمیق یادگیری، فراگیرنده در تلاش است که آن‌چه را یاد می‌گیرد، مفهوم‌سازی کند و در حقیقت ایده‌ها و مفاهیم یک محتوا را دریابد، و تجزیه و تحلیل کند. این مهم، او را با سلسله فعالیت‌های خاصی مثل تفکر و جست‌وجو و یافتن ارتباط بین اجزا با کل، و بررسی ایده‌ها درگیر می‌سازد. اگر مطالب بدون ارتباط با یکدیگر و به صورت اجزایی بی‌معنی و به منظور موفقیت در امتحان به دانش‌آموز ارائه شود تا حفظ طوطی‌وار در آن‌ها تسهیل شود، یادگیری امری مکانیکی، بی‌هدف و حتی تنبیه‌کننده می‌شود. به عبارت دیگر، یادگیری برای فکر کردن، استدلال درست، نظم داشتن، اخلاقی شدن، همدلی و هم‌احساسی با دیگران، مسائل زندگی را عاقلانه حل کردن، خود مدار نبودن، سعهٔ صدر پیدا کردن و فرهیخته شدن، فراموش می‌شود.

منابع

۱. فور، ادگار. آموختن برای زیستن. ترجمهٔ مجید رهنما. امیرکبیر. تهران. ۱۳۵۶.
۲. قاسمی‌پویا، اقبال. راهنمای معلم پژوهنده. اشاره. تهران. ۱۳۸۲.
۳. قاسمی، فرشید. بیست نکتهٔ مؤثر در تدریس خلاق. ماهنامهٔ تربیت. ش ۶ اسفند ۱۳۸۲.
۴. ابراهیم‌زاده، احمد. ماهنامهٔ آموزشی تربیتی پیوند. ش ۲۹۳. اسفندماه ۱۳۸۲.